

بسا خواننده‌ی عادی با دیدن عنوان هر کتاب قصه‌ی عامیانه‌ای، فوراً به یاد همان داستان‌های سنتی ایرانی بیفتد که برای سرگرمی مردم در خانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، خلوت‌خانه‌ها و... خوانده می‌شد تا روزی که شب یا شب را به روز آزند و مدتی با قهرمانان آنها و هم به جای آنان در عالم ذهنی و خیالی به سرزند؛ اما اگر چنین هم بوده، تمام مقصود گوینده یا نویسنده برخی داستان‌ها نبوده است؛ بلکه چه بسیار نکات مهمی از مقولات تاریخ، فلسفه، اخلاق، مذهب، ادب و... مدنظر وی بوده که تنها در قالب سخن و قصه عامیانه قابل تفهیم به مردم بوده است؛ چنان‌که امروزه هم این چنین رویکردی بعضاً در برخی فیلم‌های سینمایی یا تلویزیونی و یا دربخشی از روزنامه‌ها و مجلات و کتاب‌ها دیده می‌شود.

با نگره‌ی اخیر، دیگر همه‌ی قصه‌نویس‌ها فقط «عامه‌نویس» نبودند، بلکه برخی حکیم (به معنای عام کلمه) یا مورخ (به معنای داستان تاریخی نویسنده) و یا ادیبی بودند که اطلاعات عمیقی هم، درباره‌ی مضامین نهفته در قصه خود داشتند و درصدد تعلیم یا تفهیم آنها برمی‌آمدند و یافته‌های علمی‌شان را به مخاطب قصه‌خوان خویش، تقدیم می‌نمودند. در دوران معاصرو به خصوص در هفتاد، هشتاد سال اخیر، آنان که استاد در ادبیات، تاریخ و... بودند و قلم توانایی برای نوشتن مطلب درباره‌ی موضوعات گوناگون علوم انسانی داشتند، آن‌گاه که به محتوای برخی قصه‌های عامیانه برمی‌خوردند و غنای موضوعی آنها را می‌دیدند، تازه به فکراحیا می‌آمدند آن قصه‌ها و هم استخراج مواد پرارزش اجتماعی، تاریخی و فلسفی آنها برمی‌آمدند تا مشکلات تحقیق در مقولات مزبور را حل کنند و ابهامات مربوطه را برطرف نمایند. پس محقق در امر قصه، خود ادیب یا مورخی محسوب می‌شد که بنا به اقتضای زمانه، خود را موظف به موجزنویسی (از «کتاب» به «مقاله») می‌دانست و به نکته‌چینی (از قصه‌ها) اکتفا می‌کرد و امروز هم، چنین است.

باری، از معاصران می‌توان به کسانی همچون دکتر پرویز ناتل خانلری (مصحح سمک عیار)، استاد ایرج افشار (مصحح اسکندرنامه، قصه حسین کرد،...)، دکتر محمدجعفر محجوب (پیشکشوت بررسی داستان‌های عامیانه و مصحح امیرارسلان و...) دکتر جعفر شعار (مصحح حمزه‌نامه،...)، دکتر حسین اسماعیلی (مصحح ابومسلم‌نامه و حاتم‌نامه) و مؤلف محترم کتاب حاضر (مصحح اسکندرنامه نقالی) اشاره نمود که پیشروان قصه‌شناسی و قصه‌پژوهی‌اند و تحلیل‌های موضوعی جامع آنان از قصه‌های عامیانه ایرانی به جای مانده، رهگشای محققان است.

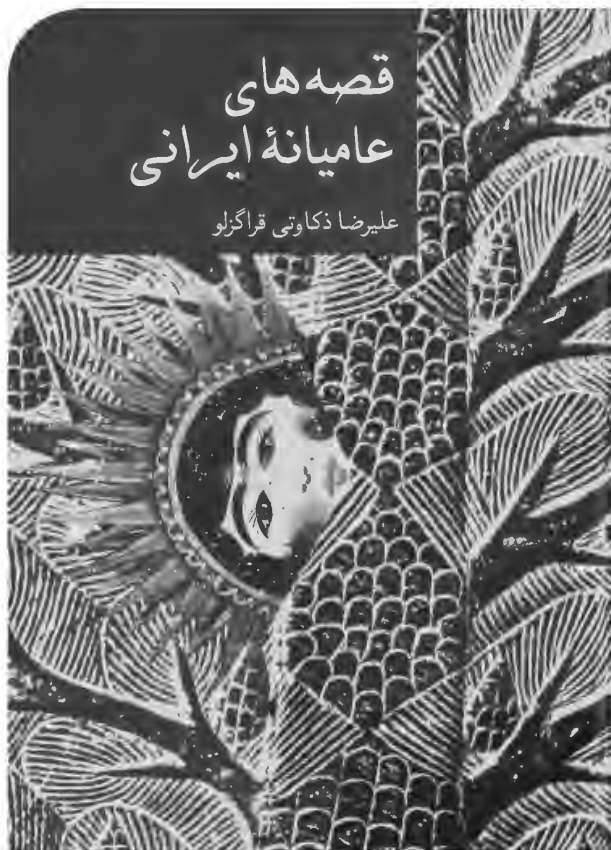
تازه‌های نگارش و نشر

معرفی اجمالی

قصه‌های عامیانه ایرانی

علیرضا ذکاوتی قراقرلو؛ تهران: سخن، ۱۳۸۷، ۴۸۱ صفحه

ول قیطرانی



در «قصه‌های عامیانه ایرانی»، محتوای برخی قصه‌های مشهور سنتی طی ۲۸ مقاله مورد بررسی قرار گرفته است و نکات مهم و جالب آنها در قالب تحلیل‌های تاریخی، اجتماعی، دینی، ادبی و... نمایانده شده است. مؤلف سعی کرده موضوعات اصلی و فرعی موجود در قصه‌ها را با نثری یکدست و روان و در عین حال متخصصانه و جامع (به لحاظ مقولات پیش‌گفته) و نزدیک به سلیقه فکری خواننده عرضه نماید؛ طوری که گویی خود نیز همانند قصه‌نویس و داستان‌پرداز، همراه با خواننده کتاب، «قصه تحلیل» را پی می‌گیرد و در جای جای آن (کتاب) اصرار دارد که وی دست خالی و محروم از «نکته»، مطلب را رها نکند.

گفتنی است قصه‌های عامیانه ایرانی، با نگرش به سیر تاریخی و رخدادهای اجتماعی و فرهنگی مردم ایران (بعد از ظهور اسلام) اعم از تحول در خلق و خوی آنان و هم‌گرایش‌های مذهبی‌شان که همه اینها کم یا زیاد به سبک عامیانه در متن قصه‌ها مطرح و درهم تنیده شده‌اند، تألیف یافته است؛ بنابراین عجیب نیست که مؤلف محترم با پارک بینی برای هر بخشی از قصه‌ها تحلیل خاصی دارد و آنجا که دیگر چیزی برای گفتن نباشد، تازه بخش مفیدی از قصه بررسی شده را انتخاب نموده، خواننده را به قضاوت درباره محتوای آن واداشته است؛ به عبارت دیگر استاد ذکاوتی با نظر بر اینکه «در ایران هم مثل همه جای دنیا، گفتن و خواندن و شنیدن و قصه و افسانه و حکایت از دیرباز شایع و رایج بوده و در هر شرایط تاریخی رنگ و بویژه‌ای به خود می‌گرفته، گاه داستان‌های حماسی و پهلوانی میهنی رواج داشته و گاه قصه‌های سرگرم‌کننده سرزمین عجایب. آنچنان که در سندبادنامه‌ها یا جهان‌نگشایی‌های اسکندر و غیره آمده است. گاه افسانه‌های دیو و غول و طلسم و جادو، شنوندگان و خوانندگان را مدهوش و مبهور می‌داشته، زمانی حکایت واقع‌گرا از زندگی شهری، ذهن صیقلی و آزموده فرهیختگان را به خود جذب می‌کرده و گاه ماجراهای هوشربای کاخ‌های عباسی به‌ویژه قصر هارون، مردم را به خود مشغول می‌داشته و از گرفتاری‌ها و حقارت زندگی یومیه ساعتی جداشان می‌ساخته است؛ همچنان که زبان‌آوری‌ها و حرف‌های معرکه‌گیران و نقالان و قصاصان، عام و خاص را به شگفت می‌آورده است» (قصه‌های عامیانه ایرانی، ص ۳۳۰)، خود نیز در هیچ موردی از موارد موضوعی نهفته در قصه‌های کتاب مزبور، کوتاه نیامده، مطالب ارزنده را بیرون کشیده و در اختیار خواننده و پژوهنده قرار داده است.

به هر تقدیر تحلیل‌های اجتماعی-تاریخی قصه‌های عامیانه ایرانی، به خصوص آنهایی که مربوط به جریان‌گذار عقیده مذهبی مردم ایران از تسنن به تشیع می‌شوند، مهم و جالب نظر هستند؛ از جمله: «به لحاظ اجتماعی، غالب یاران نخستین ابومسلم پیشه‌وران شهری‌اند و خود او را دشمنان به تعریض، «روستایی گاو‌بند» می‌خوانند. در شهرها وقتی درگیری دو طرف پیش می‌آید، مردم عادی بیشتر دردل، محب

اهل بیت و طرفدار ابومسلم هستند و در آن طرف لشکریان (عرب و عرب‌گرا) قرار دارند؛ پس ظاهراً جنگ، هم طبقاتی است هم ملی؛ اما شواهد همیشه رضایت‌بخش نیست؛ زیرا اسامی و مشاغل در هر دو طرف فارسی عامیانه و یا عربی فُح [=خالص] است، و در توصیف ابومسلم و ابومسلمیان، گرچه گاهی از قهرمانان شاهنامه یاد می‌شود، اما اصلاً انگیزه ایرانی‌گری یا معارضه دارا و نداد از قول ابومسلم و یاران او نقل نشده است و فقط خونخواهی اهل بیت و جلوگیری از دشنام بر «ابوتراب» مطرح است...» (ص ۲۶، ۲۵)؛ افزون بر این گفتاورد، مطالب دیگری درباره استقرار تشیع در ایران در صفحات ۱۶۱، ۲۹۱ تا ۲۹۴، ۳۴۱ تا ۳۴۰ و... درج شده که مفید و خواندنی است.

باز می‌توان به محتوای مقاله «سرگذشت صوفیان در داستان‌های عامیانه» (ص ۴۴۴، ۳۹۰) اشاره کرد که به نحوی نشان‌دهنده سیر تاریخی اعتقادات باطنی ایرانیان در قالب قصه و حکایت است؛ «در کتاب ختمی لاهوری، شیخ روزبهان [تقلی] به محبت زنی مغنیه مبتلا شد و هیچ کس خبر نداشت و بر آن جداها و صیحه‌ها که پیشتر برای خدامی زد، باقی بود؛ اما این بار به یاد آن مغنیه متوجه شد که مردم می‌پندارند شور و شیدایی او برای خداست؛ پس به مجلس صوفیه آمد و خرقة بینداخت و قصه خود با مردم فاش کرد و گفت نمی‌خواهم در حال خود کاذب باشم؛ و خدمت آن مغنیه در پیش گرفت. تا آنکه حال وی در آن مغنیه اثر گذاشت و توبه کرد. محبت آن زن به مرور از دل روزبهان زایل شد و باز خرقة پوشید...» (ص ۳۹۲-۳۹۳).

باید گفت پیش از مقاله مزبور در صفحات ۵۸ و ۳۰۴ به ترتیب چنین آمده است: «از ویژگی‌های این کتاب [حاتم‌نامه] آن است که قهرمان داستان برخلاف شاهان و سرداران و عیاران دیگر داستان‌ها در بند دنیویات نیست و هرچه به دستش می‌آید، در جامیان فقیران تقسیم می‌کند و بدین‌گونه در عمق این قصه عامیانه، یک حرکت و سیر عرفانی ملاحظه می‌شود که چه بسا با «هفت وادی» معروف و معهود در طریقت سیر و سلوک بی‌ارتباط نباشد...» و «باید دانست [در کتاب محبوب القلوب نوشته میرزا برخوردار فراهی] حمله [صفویه] متوجه جمعیت‌های صوفیه بوده؛ ورنه به عارفان مجرد و منفرد طبق یک سنت کهن و ریشه‌دار به عنوان «درویش صاحب نفس» با نظر مثبت و ارادتمندانه برخورد می‌شود...؛ و به‌ویژه طبقات متوسط به برکات «انفاس قدسیه» این گونه کسان مستظهور و به پیشگویی آنان معتقد بودند...».

در مقاله «سرگذشت صوفیان در... زندگی صوفیان و شخصیت و کرامات آنان، تعبیرات عرفانی شاهنامه فردوسی برای بیان مراحل سلوک در اندیشه عرفا (ص ۴) و...، با تعبیر «واقع‌گرایی محتوای خیالی قصه‌ها» بیان شده است، و باید دانست «[در] یک قصه عامیانه کامل (با همه زیر و بالاها، تصادف‌ها، پیشگویی‌ها، خواب‌ها و کمک‌های غیبی [و] با منطق و بی‌منطقی مخصوص خود) نباید توقع داشت که

نبوده است و این قفره را در عصر صفوی و یا در دربار پادشاهان شیعی هند افزوده‌اند؛ همچنین است قیافه متعبد و متشرعی که از ابومسلم ترسیم شده، با آن چهره سیاسی کار که از ابومسلم تاریخی می‌شناسیم، تفاوت دارد...» (ص ۲۷، ۲۶).

نیز: «... در واقع تودد [در داستان حسینیه] کنیز مجلس آرای کاخ خلیفه [هارون الرشید] که موسیقی‌شناس و خواننده و نوازنده و در ضمن از علوم، علاوه بر دانش‌های قرآنی و دینی، در فلسفه و نجوم و طب و منطق و معانی... دست دارد، به حسینیه برقع به‌رخشیده که زیباست و از علوم تنها در «دینیه و شرعیه» استاد است و از مباحثه‌اش هدف دارد، تبدیل می‌شود و این تفاوت عصر هارون الرشید و شاه طهماسب است. در هزار و یک شب، داستان مقصدی جز سرگرمی ندارد. هنر برای هنر است. اینجا داستان در قالب یک مناظره عقیدتی که برای حکومت صفوی جنبه حیاتی داشت (یا دست کم چنین ادعای می‌کرد) قرار می‌گیرد. هنر متعهد است و هدفدار» (ص ۳۳۸).

اما مؤلف ادیب قصه‌های عامیانه ایرانی بر ویژگی‌های ادبی قصه‌ها نظر تحلیلی هم دارد که در نوع خود جالب است؛ چنان که می‌توان گفت ایشان حتی با متن‌شناسی داستان‌ها و احاطه بر چارچوب آنها و نیز تطبیق (متن) قصه‌ای با قصه دیگر، تقلید و اقتباس نویسنده‌ای از نویسنده دیگر، نه تنها به لحاظ مضمون، بلکه به هم‌ریزی انحرافی و تلفیق فریبکارانه و ناشیانه آنها (قصه‌ها) از سوی برخی از آنان را برنمایانده و به تعبیری «مچ‌گیری» نموده، نسخه و متن اصلی را معرفی کرده است (رک به: صص ۲۳، ۳۸، ۳۹، ۶۲، ۶۶، ۷۲، ...، ۲۲۶، ۲۸۹، ۲۹۲ و ۳۳۱ و ۳۳۳).

به هر تقدیر، در کتاب لغات و تعبیرات خاص اسکندرنامه (ص ۱۹۶، ۱۷۵) و قصه‌های دیگر (در بیشتر جاها) و نیز موضوعاتی همچون: ریشه برخی داستان‌ها در فرهنگ ایران باستان (ص ۱۴)، تحول زبان فارسی (ص ۱۵)، تقسیم موضوعی داستان‌های عامیانه (ص ۲۲)، سبک‌شناسی (قصه‌ها) (ص ۲۳ و جاهای دیگر)، ... و طریقه داستان‌نویسی (ص ۳۱۲ - ۳۱۳) خواندنی و قابل تأمل است.

زمان و مکان در چارچوب منطق قرار گرفته باشد» (ص ۴۰۸ و ۴۳۶). نکته‌های مربوط به تحولات اخلاقی و روابط اجتماعی مردم نیز در قصه‌های عامیانه ایرانی جای خاصی دارند؛ نمونه‌ای از آنها چنین است: «... قصه حسین کرد گرچه مربوط به دوره صفوی است، اما در عصر قاجار به قلم آمد؛ یعنی تصویری که مردم عصر قاجار از عصر صفوی در ذهن داشته‌اند، روی کاغذ آمده است. در هر حال روحیه استبدادگرا و استبدادپذیر مردم ایران تا پیش از مشروطیت را به خوبی نشان می‌دهد. تعرض و تجاوز به مال و ناموس مخالفان امری عادی است و قهرمانان داستان آن را منافی «دانش و آزادگی و دین و مروت» نمی‌دانند. نه تنها اموال مردم را می‌چاپند و به زن و بچه‌اش دست‌درازی می‌کنند، بلکه آخرش خانه را هم آتش می‌زنند و می‌گریزند و البته «دستبرد نامه‌چه» می‌اندازند که «کسی را با کسی کاری نباشد کار کار... است». اگر چهارپنج قرن عقب بروید، در سبک عیار به اینگونه موارد برخورد نخواهید کرد یا کمتر خواهید دید و این نشان می‌دهد که در طول تاریخ هر قدر تهاجمات بر سر این مردم بیشتر واقع شده، از نظر اخلاقیات پس رفته‌اند. اینها داستان است؛ واقعیت بدتر است» (ص ۶۳).

باز هم می‌توان ذیل موضوع مزبور، به «نشان دادن نقش زنان» (ص ۲۴)، «بی‌احترامی به زن» (ص ۶۸)، «زنان و دفاع از اهل بیت پیامبر ﷺ» (ص ۳۴۰) در قصه‌های عامیانه ایرانی اشاره نمود؛ اما نکات هنری بسیاری در کتاب مذکور درباره چگونگی شخصیت قهرمانان قصه‌ها و هم‌صحنه‌آرایی (عمدی و متناسب با تفکر) داستان‌پردازان و نقلان در قصه‌ها، به دید می‌آید؛ مانند: «در این کتاب [ابومسلم‌نامه] ابومسلم و ابومسلمیان سخت خونریزند و به دشمن امان نمی‌دهند و این همان چهره مختارگونه و انتقام‌جویی ابومسلم است؛ در حالی که طبق همین کتاب، سران و سرداران اموی به دشمنان گاهی امان و مهلت می‌دهند، که البته این شگرد نقال است برای تداوم زندگی و کارهای قهرمانان داستان. اما بدین گونه خواننده ملاحظه می‌کند که طرفین زیاد با هم فرق ندارند و صرف‌نظر از اینکه این طرفی‌ها گاهی خواب‌نما می‌شوند و از عالم بالا به آنها کمک می‌شود که نجات یابند، در عمل تقریباً یکی هستند. به گمان من اصل داستان چنین نبوده، بلکه در دستکاری‌های عصر صفوی داستان از محتوای اجتماعی و شعوبی خالی شده و با فشار قشربون. که متوجه با فرهنگی این گونه قصه‌های عامیانه بوده‌اند. تصویرهایی از کشت و کشتارهای داخلی صفویان را به زمان ابومسلم فرافکنی کرده‌اند. تاریخ می‌گوید امام صادق علیه السلام به صراحت از پذیرفتن همکاری با ابومسلمه خلال (و ابومسلم) خودداری فرمود؛ اما در این داستان ابومسلم از دست امام محمد باقر علیه السلام حکم دارد (ج ۱، ص ۱۱۲). مسلماً در ابومسلم‌نامه کهن که از این رفته، چنین

۱. برای مثال رک به: صص ۱۴، ۶۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۹۸ و ...

کتاب انیس المجتهدین، برگزیده کتاب فصل ۱۳۸۸، بیست و هشتمین دوره کتاب سال ۱۳۸۹ و کتاب سال حوزه، در بهمن ۱۳۸۹ است. مؤلف این کتاب ارزشمند، مرحوم مولی محمد مهدی نراقی (رضوان الله تعالی علیه) از عالمان و مجتهدان بزرگ قرن های دوازده و سیزده هجری است. وی در نراق متولد شد و به سال (۱۲۰۹ ق) در کاشان، مهد علم و تقوا وفات یافت و بدن شریفش را به نجف اشرف منتقل کردند و در آنجا به خاک سپردند. مهم ترین استادان ایشان مشایخ بزرگی همچون حاج شیخ محمد بن محمد زمان کاشانی (درگذشته به سال ۱۱۶۶ ق) و مولی مهدی هرنندی (درگذشته به سال ۱۱۸۶ ق) و آیت الله میرزا نصیر (درگذشته به سال ۱۱۹۱ ق) و ملا اسماعیل خاجوئی (درگذشته به سال ۱۲۰۸ ق) می باشند.

مرحوم نراقی در همه علوم و فنون، مجتهدی زبردست و عالمی سترگ بودند که آثار باقیمانده او، گواه این معنی است.

در علم اصول، از ایشان سه اثر جاوید و با ارزش در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است:

۱. کتاب تجرید الاصول؛

۲. کتاب جامعه الاصول؛

۳. کتاب انیس المجتهدین؛

ناگفته نماند که در سایر علوم نیز مرحوم نراقی آثار گران سنگی از خود به یادگار نهاده اند که به اختصار یادآوری می شود:

۱. در علم فقه؛ - المعتمد فی الفقه - انیس التجار.

۲. در علم کلام و حکمت؛ - جامع الافکار؛ - اللغات العرشیه؛ - قره العیون.

۳. در علم اخلاق؛ - کتاب وزین و مهم جامع السعادات.

۴. در علم عقاید؛ - انیس الموحدین؛ - شهاب ثاقب فی الامامة.

۵. در علم معانی و بیان؛ - کتاب نخبه البیان.

۶. در سایر علوم متفرقه؛ - رساله فی علم عقود الانامل؛ - مشکلات العلوم - محرق القلوب.

مقدمه

نظر به اینکه اسلام شریعتی کامل و جامع است، و برای زندگی انسان های حاضر و آینده برنامه و راهکار دارد و باتوجه به اینکه در هر عصر و زمانی، حوادث جدید و مشکلات و خواسته های متعدد و متفاوت با گذشته برای انسان ها به وجود می آید، لازم است مجموعه ای از قواعد و اصول تدوین گردد تا به کمک آنها بتوان احکام الهی را استنباط کرد و در اختیار انسان ها قرار داد.

باید اذعان نمود هر فقیه و دانشمند دینی و اسلامی، برای فهم قوانین و دستورات حیات بخش اسلام، نیازمند سلسله ای از قواعد و اصول است که به یاری آنها بتواند احکام و تکالیف انسان ها را مطابق حق و صواب از متن قرآن و سنت پیامبر ﷺ و راه و روش ائمه معصومین علیهم السلام به دست آورده، ارائه کند. تنها علمی که می تواند یک اندیشمند دینی را به راه های اجتهاد و استنباط احکام الهی راهنمایی کرده، او را کمک کند، علم اصول فقه است.

بی شک، علم اصول فقه یگانه علمی است که می تواند دقایق و اسرار

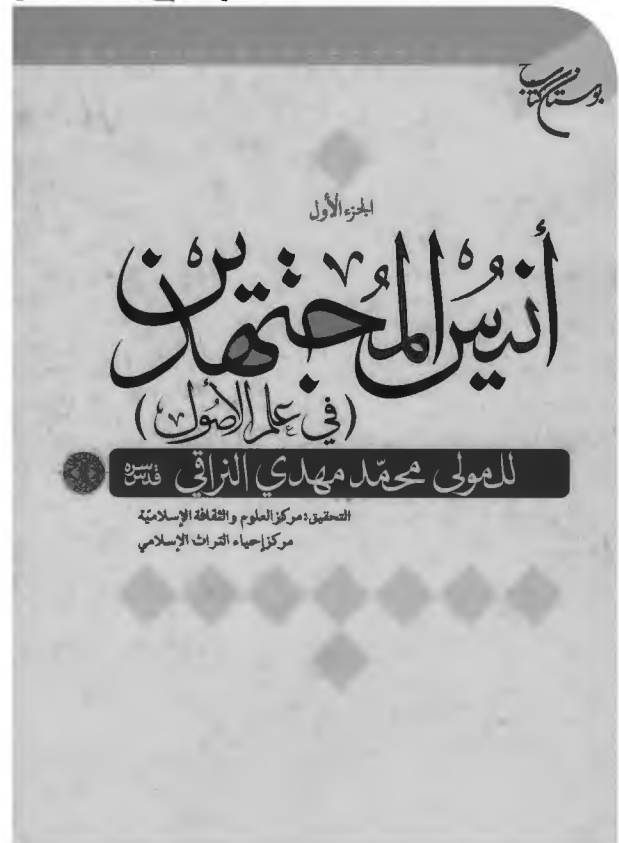
تازه های نگارش و نشر

معرفی اجمالی

انیس المجتهدین

مولی محمد مهدی نراقی رحمته الله علیه، تحقیق: مرکز احیاء تراث اسلامی؛ قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰، ۵۸۴ صفحه

غلامرضا نقی جلال آبادی



مرحوم مولی محمد مهدی نراقی (رضوان الله تعالی علیه) است که با تألیف سه کتاب اصولی: تجریر الاصول و جامعة الاصول و انیس المجتهدین در این راه گام برداشت.

معرفی انیس المجتهدین

این کتاب با حجم دو جلد و تحقیق و تصحیح شایسته و جامع توسط محققان مرکز احیای آثار اسلامی، تصحیح و مزین به چاپ گشته است. مرحوم نراقی در این اثر جاوید، مهم‌ترین موضوعات و مباحث علم اصول فقه را با دلایل بسیار محکم و جامع، و با استفاده و بهره‌گیری از آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام و بهره‌گیری از دیدگاه‌های سایر علمای اصولی متقدم و متأخر، تحریر نموده‌اند.

به جرئت می‌توان اذعان کرد مؤلف محترم در این کتاب، بیشتر متأثر از دیدگاه‌های عالم فرزانه اصولی، مرحوم سید مرتضی علیه‌السلام بودند، به گونه‌ای که ۵۵ مرتبه در تمام مباحث کتاب، از سید و کتاب الذریعه یاد کرد، به عبارات ایشان استناد نموده‌اند.

بعد از سید مرتضی، بیش از دیگران از نظرهای عالم اصولی، شیخ الطایفه طوسی علیه‌السلام بهره برده‌اند، و ۵۱ مرتبه به اقوال و آرای ایشان استشهاد کرده‌اند.

بعد از این دو بزرگوار، از آرا و نظرهای علمای بزرگی همانند: ابن زهره در کتاب غنیه النزوع و شهید اول در کتاب قواعد و فوائد و شهید ثانی در مباحث اصولی ذکری الشیعه و علامه حلی در تهذیب الوصول و شیخ حسن در معالم الاصول استفاده کرده‌اند.

ویژگی‌های کتاب

انیس المجتهدین ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. این خصوصیات را در کمتر کتاب اصولی می‌یابیم:

۱. نوآوری‌های بسیاری در این کتاب هست که در سایر کتب دیده نمی‌شود. مؤلف در مقدمه کتاب یاد آور شده‌اند:

«اتی بعد ما سرحت النظر فی مراتع مسائله، وأجلت الفکر فی مبادین دلالته، ظفرت علی فوائد جمّة خلّت عنها کتب أكثر العلماء و عشرت علی قواعد مهمّة لم یأت بها أولو الایدی الاذکیاء، فجمتها فی هذا الکتاب»: من بعد از تفکر و دقت درباره مسائل مهم اصول و توجه به دلایل و مبانی آن، به فواید و مطالبی دست یافتیم که جای این گونه مطالب و فواید، در اکثر کتاب‌ها خالی است، و از نظر بسیاری از بزرگان این علم مغفول واقع شده است.^۱

۲. مهم‌ترین مباحث اصول را روان و ساده و به دور از درازگویی نگاشته‌اند. ایشان در مقدمه آورده‌اند:

ودأبی فی هذا الکتاب تحقیق ما هو الحق من المسائل، و ذکر ما هو الایتم من الدلائل، ولا تعرض ل ذکر ما هو تطویل بلاطائل، كما هو مذکور فی بعض کتب أولى الفضائل»: در این کتاب هر آنچه از ادله لازم است، بدون اطاله نقل کرده‌ام؛ ولی همه ادله و مبانی مخالفان را طرح و رد نکرده‌ام، بلکه

و فلسفه احکام را به فقها و علمای دین و علاقه‌مندان معارف اسلامی پیامزد. به فرموده مؤلف ارجمند انیس المجتهدین علیه‌السلام:

علم اصول از علومی است که مقام عالی و رفیعش بر کسی پوشیده نیست و همگان می‌دانند که درک مباحث شرعی متوقف بر فهم علم اصول است؛ چرا که مسائل فرعی را باید از متن اصول به دست آورد.

پیشینه علم اصول

به گواه تاریخ، هنگامی که مسلمان‌ها کشورگشایی می‌کردند، طبیعتاً با انسان‌های دیگری برخورد می‌کردند و با مسائل جدید و جدیدتری روبرو می‌شدند. گاهی موضوعات تازه‌ای برای آنها خودنمایی می‌کند و سوالات جدیدی پیش می‌آمد؛ بنابراین به هر صحابی و تابعی که مراجعه می‌کردند آنها مطابق گذشتگان به کتاب و سنت نگاه کرده، به آنها پاسخ می‌دادند؛ اما بسیاری از مواقع برای بسیاری از سوالات جوابی راهگشا نمی‌یافتند؛ از این رو مسلمان‌های آن عصر فهمیدند نیازمند تدوین علم اصول و قواعدی هستند تا به کمک آنها بتوانند راه بسته شده اجتهاد و استنباط از احکام الهی را بگشایند. در همین راستا و نظر به اهمیت علم اصول، ائمه و پیشوایان بزرگ شیعه، خصوصاً دو امام همام و بزرگ ما حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق علیهم‌السلام قواعد کلی استنباط و اجتهاد را برای اصحاب و شاگردانشان تحریر نمودند.

به پیروی از ائمه بزرگوار شیعه و در مسیر ترویج و اشاعه فرهنگ جاوید اسلام و مکتب حیات بخش شیعه، علما و دانشمندان بزرگ، خصوصاً شاگردان آنها همین مسیر را پیموده‌اند. اولین عالم فرزانه شیعی که در فن اصول کتاب اختلاف الحدیث و مسائله را نگاشت، یونس بن عبدالرحمان (درگذشته به سال ۲۰۸ ق) است. محتوای این کتاب مباحث تعادل و تراجم است. بعد از یونس، عالم جلیل‌القدر ابوسهل نوبختی (درگذشته به سال ۳۱۱ ق) کتابی به نام الخصوص والعموم والاسماء والاحکام و ابطال القیاس نگاشتند. بعد از ایشان حسن بن موسی نوبختی (درگذشته به سال ۳۱۰ ق) کتاب «خبر واحد و عمل به آن» را نوشتند.

باید اذعان کرد: این اولین گام‌هایی بود که توسط شاگردان ائمه علیهم‌السلام برای تدوین علم اصول برداشته شد و این سیره همچنان ادامه داشت تا عصر علما و پیشگامان از متقدمان علوم آل محمد علیهم‌السلام همانند شیخ مفید علیه‌السلام با تحریر کتاب اصولی بالارش التذکره فی اصول الفقه و سید مرتضی (رضوان الله تعالی علیه) با تألیف کتاب گران سنگ الذریعه الی علم الاصول و شیخ الطایفه طوسی علیه‌السلام با نوشتن کتاب العده فی اصول الفقه و ابن زهره حلبی با تدوین کتاب مهم غنیه النزوع الی علمی الاصول والفروع و علامه بزرگ محقق حلی با تحریر کتاب معارج الاصول و علامه حلی با نوشتن کتاب تهذیب الوصول.

در عصر حاضر نیز این سیره نیکو توسط عالمان نکته‌سنج و آینده‌نگر پیگیری شد و در فن اصول زحمت‌های بسیاری کشیده شد که رنج تدوین آن نیز بردوش این عالمان افتاد.

از جمله این خیل عظیم، محقق توانا و عالم ژرف‌نگر و مجتهد اصولی،

۱. انیس المجتهدین؛ ج ۱، ص ۲۶.

آنچه را که فهمش آسان تر باشد، آورده‌ام...^۲

۳. در عین حال که مطالب را تلخیص کرده‌اند، همه فروعی که قابل استفاده است، مطرح کرده‌اند. در مقدمه، این‌گونه نگاه‌اشته‌اند:

«أشرفی کلّ أصل الی مسألة فرعیة تتفرع علیه؛ لیحصل بذلك الوقوف علی کیفیت التفریع»؛ در این کتاب هر اصلی که طرح کرده‌ام، همه فروع پیرامونی آن را نقل کرده‌ام تا راه رسیدن به چگونگی فروع را برای مشتاقان آسان کرده باشم.^۳

ویژگی‌های تحقیق

۱. از این کتاب تعداد پانزده نسخه رؤیت شده است که تمامی آنها در مقدمه معرفی شده‌اند، و بیشترین اعتماد بر دو نسخه بوده است:

الف) نسخه کتابخانه مرحوم مرعشی به شماره ۳۷۹. این نسخه به امر مرحوم مؤلف، توسط علی نقی بزار به تاریخ شوال ۱۱۸۶ ق تحریر شده است. باید گفت: این نسخه از بهترین نسخ کتاب است؛ به دلیل اینکه با نسخه دست‌نویس مؤلف و در زمان حیات وی مقابله شده و به امر ایشان توسط یکی از شاگردان برجسته در شان مرحوم محمد بن حاج طالب طاهر آبادی تصحیح شده است.

ب) نسخه دیگری از کتابخانه مرعشی به شماره ۱۰۲۵۶. از این نسخه به عنوان تأیید در بعضی موارد استفاده شده است.

۲. تمامی آیات مورد استناد مؤلف، منبع‌یابی شده، روایات و احادیث مورد استشهاد مؤلف، از منابع اصلی آنها همانند کتب اربعه شیعه و صحاح سته اهل سنت و کتب فرعی آنها تخریب شده است. اقوالی که در متن کتاب به صداقت یا به اشاره آمده نیز از مصادر اصلی آنها منبع‌یابی و با رعایت ترتیب تاریخی، ثبت شده‌اند.

در این زمینه اقوالی که گوینده آنها نامشخص است و با عبارت «قیل» و «نقل» و «بعضی الاصحاب» و «بعضهم» و «بعض الاصولیین» آمده است نیز منبع‌یابی شده است.

در تصحیح متن و تقویم نص، از همان دوسنخه مورد اشاره استفاده شده است و بعضی اختلافات عبارات، در پی نوشت ثبت شده، از آخرین شیوه‌های ویرایشی برای تنظیم آیات و روایات و اقوال فقها و اسامی کتب، بهره‌گیری شده است. گاهی نیز برای استوارسازی و تقویت متن، کلماتی از منابع اضافه شده است. این گونه کلمات با علامت [...] مشخص شده است.

مهم‌ترین مباحث کتاب

آنیس المجتهدین در برگزیده پنج بحث مهم اصولی است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

۱. **مقدمات علم اصول:** در این بخش، مباحث در قالب سه باب و پنجاه فصل ارائه شده است.

باب اول: تعریف علم اصول، موضوع علم اصول و...

باب دوم: مبادی لغوی، همانند: راه شناخت لغات، لغات توفیقی

۲. همان.

۳. همان.

هستند یا اصطلاحی؟

باب سوم: مبادی احکام، مثل: اقسام حکم، حسن و قبح عقلی، اقسام حکم وضعی و متعلق آن.

۲. **ادلیه شرعیه:** کتاب، سنت، اجماع و عقل. این بخش نیز طی پنجاه باب و هشتاد فصل ارائه شده است.

باب اول: معانی کتاب از نظر لغت و شرع، تحریف قرآن، محکم و متشابه در قرآن؛

باب دوم: معانی نسبت لغتاً و اصطلاحاً، حقیقت خبر و تعریف آن، صدق و کذب در خبر، اقسام خبر؛

باب سوم: تعریف اجماع، حجیت اجماع، اقسام اجماع؛

باب چهارم: ادله عقلیه، همانند: اصل براءة، استصحاب حال و...؛

باب پنجم: قیاس و تعریف آن، ارکان و شروط قیاس، تقسیمات قیاس و...

۳. **مشترکات کتاب و سنت:** در این بخش مباحث ضمن هفت باب و یکصد و پانزده فصل، بحث شده است.

باب اول: بحث امر و نهی و حقیقت آنها، اقسام امر و نهی؛

باب دوم: عام و خاص، فرق عام و خاص، صیغه‌های عموم و خصوص و...؛

باب سوم: مطلق و مقید و تعاریف آنها، اختلاف حکم آنها؛

باب چهارم: بحث مجمل و مبین، معانی آنها، لغتاً و اصطلاحاً؛

باب پنجم: بحث ظاهر و مؤول و معانی لغوی و اصطلاحی، اقسام تأویل؛

باب ششم: منطوق و مفهوم، و معانی و شرایط و حجیت آنها؛

باب هفتم: بحث نسخ، معانی نسخ، جواز و عدم جواز آن.

۴. **اجتهاد و تقلید:** مباحث این بخش طی دو باب و هفده فصل مطرح شده است.

باب اول: اجتهاد و معانی لغوی و اصطلاحی آن، راه استنباط احکام و شرایط اجتهاد و مانند آن؛

باب دوم: تقلید و معانی آن، لزوم تقلید، تقلید از مجتهد میت و...

۵. **تعادل و تراجیح:** این بخش مشتمل بر سه فصل می‌باشد.

فصل اول: تعارض بین ادله ظنیه؛

فصل دوم: تعارض در کتاب و یا خبر واحد؛

فصل سوم: اختیار مجتهد در عمل به یکی از دو متعارض اگر مرجحی نباشد، تعارض ترجیحات ادله و مقدمات آنها.

برای دستیابی بهتر و استفاده بیشتر مطالعه‌کنندگان، این کتاب هشت فهرست عمومی، دقیق و فنی دارد:

۱. فهرست آیات کریمه؛

۲. فهرست احادیث شریفه؛

۳. فهرست اسمای معصومین علیهم‌السلام؛

۴. فهرست اعلام و بزرگان ذکر شده در کتاب؛

۵. فهرست اصطلاحات اصولی؛

۶. فهرست کتاب‌های ذکر شده در متن؛

۷. فهرست منابع تحقیقی؛

۸. فهرست موضوعات کتاب.

آیت الله شیخ مجتبی قزوینی (۱۳۱۸ ق. ۱۳۸۶ ق) از شاگردان برجسته میرزا مهدی اصفهانی، پایه‌گذار مدرسه معارفی خراسان است. کتاب «بیان الفرقان» از مهم‌ترین منابع اصحاب مکتب تفکیک به شمار می‌رود. مروجان مکتب تفکیک در زمان ما، اغلب از شاگردان شیخ مجتبی قزوینی هستند. استاد محمدرضا حکیمی نیز که از شاگردان وی است، انتخاب نام «مکتب تفکیک» را الهام گرفته از نام کتاب «بیان الفرقان» استاد خود می‌داند. وی انگیزه خود را از این نامگذاری، چنین بیان می‌دارد:

تصور این بنده این است که واژه «تفکیک» رساننده همه ابعاد این منظور هست؛ زیرا هنگامی که قرار باشد سه مکتب شناختی و معارفی معروف (قرآن، فلسفه، عرفان)، از یکدیگر جدا شود، باید هر یک نیز به خوبی شناخته و تبیین گردد. پس بیان معارف قرآنی در «مکتب تفکیک»، جزو عناصر اصلی است، بلکه اصلی‌ترین عنصر است؛ و استاد ما رضوان الله علیه - دوره کتابی را که در این مقصود (از نوع «تألیف عام» اهل این مکتب) نوشت، «بیان الفرقان» نامید؛ به معنای تشریح تفاوت و تبیین فرق و فاصله میان سه مشرب و مکتب معروف؛ و او در «بیان الفرقان» نمی‌خواست کتابی فلسفی و عرفانی (حتی فلسفی و عرفانی انتقادی) بنویسد و مطالب «شفا» و «فتوحات» و «اسفار» را دوباره در کتاب بیاورد، بلکه در صدد بود تا به قدر ضرورت به مطالب اشاره کند و سپس مبانی معارف قرآنی را تشریح نماید؛ و بدینگونه نام «مکتب تفکیک» از تدبیر تداعی گر «بیان الفرقان» نیز الهام گرفته است. به هرحال غرض از این نامگذاری، یکی این است که تعبیری روشن و واژه‌ای ساده و کوتاه در دسترس باشد؛ واژه‌ای که نیروی تذکر و تداعی آن نیز قوی باشد تا نیاز به تعبیرهای طولانی نیفتد!

مجموعه بیان الفرقان تألیف شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۸۶ ق) در پنج جلد به فارسی نگاشته شده است: جلد اول، «توحید در قرآن» است و به بررسی این موضوعات می‌پردازد: تبیین روش‌های فکری گوناگون، نقل احادیث در ردّ تصوف، نفسی تأویل غیر ضروری، تبیین توحید فطری، انواع تذکر به آیات، آیات آفاقی و انفسی، انسان‌شناسی، ماهیت نفس از نظر مادیون و فلاسفه منابع دینی، علم و عقل، خداشناسی در فلسفه و عرفان، علم خداوند، حدوث عالم، جبر و تفویض، قضا و قدر، سعادت و شقاوت، هدایت و ضلالت و دعا.

جلد دوم به «نبوت در قرآن» اختصاص دارد و از این موضوعات بحث می‌کند: نبوت عامه و خاصه، اقسام خوارق عادات، وظایف انبیا، اعجاز قرآن و وجه اعجاز.

جلد سوم به «معاد در قرآن» می‌پردازد. موضوعات طرح شده در این جلد، عبارت‌اند از: حدوث عالم و کیفیت آن، خلقت انسان و عوالم آن، خلقت حضرت آدم، خلقت عالم آخر، عالم برزخ، نقد اصولی فلسفی ملاصدرا در معاد، پاسخ به شبهات مطرح پیرامون معاد.

جلد چهارم در موضوع امامت، با عنوان «میزان القرآن» است و در آن از این موضوعات بحث شده است: اثبات امامت، نقد دیدگاه‌های اهل سنت

۱. محمدرضا حکیمی: مکتب تفکیک؛ قم: دلیل ما، ص ۱۶۰، ۱۶۱.

تازه‌های نگارش و نشر

معرفی اجالی

بیان الفرقان فی توحید القرآن

آیت الله شیخ مجتبی قزوینی؛ تعلیقات آیت الله سید جعفر سیدان تحقیق: مدرسه علوم دینی حضرت ولی عصر (عج)؛ قم: ج ۱، دلیل ما، پاییز ۱۳۸۹، ص ۶۲۳.

هادی ربّانی



چاپ، آیت‌الله سیدان مطالبی که مؤلف به اشاره از آن گذشته است و نیازمند و اشکافی بیشتر بوده، در پاروقی تشریح کرده است.

همچنین در تحقیق کتاب، این کارها انجام شده است: ۱. آیات و روایات مستند شده است؛ ۲. آیات و روایاتی که در متن ترجمه نشده است، داخل «[]» ترجمه شده است؛ ۳. هرکجا عبارت از نظر لفظ و معنی مشکل و نارسا به نظر می‌رسیده، با استفاده از علامت «[]» این نارسایی برطرف شده و در موارد ضروری در پی نوشت یادآوری گشته است؛ ۴. از آنجا که متن بیان الفرقان با زبان فارسی روان نگارش نیافته است و گاه فهم آن برای خواننده دشوار می‌نمود، ویرایش متن با حفظ اصل آن با استفاده از اعلام و ویرایشی و پاراگراف‌بندی انجام شده است و مشکلات فراوانی که ممکن بوده خواننده را دچار اشتباه در فهم و برداشت سازد، برطرف گشته و برگویایی متن افزوده است.

شیخ مجتبی قزوینی در مقدمه جلد نخست بیان الفرقان، عناوین برخی از اختلافات اساسی فلسفه و عرفان با مکتب وحی را چنین برمی‌شمارد:

۱. شناختن خداوند متعال و اثبات وجود او امری است نظری و محتاج به اقامه برهان؛ و برهان متوقف است بر تحقیق و بحث در علت و معلول و ابطال تسلسل؛

۲. توحید واجب الوجود متوقف است بر اثبات اصالة الوجود و تشکیک در حقیقت وجود یا اقامه برهان تعین یا اثبات وحدت اطلاق؛

۳. قول به ثبوت قدیم با ذات خداوند نه در مرتبه ذات مانند مثل افلاطونیه یا قول به صورت زایده بر ذات و قائمه به ذات و انحصار علم خداوند به کلیات یا قول به اینکه علم خداوند عبارت است از نفس حضور موجودات نزد او بدون علم سابق بر اشیا یا قول به اینکه «بسیط الحقیقه کل الاشياء» یا علم اجمالی در عین کشف تفصیلی و امثال اینها که عرفا قائل شده‌اند؛ ۴. توحید در افعال، یعنی اسناد تمام افعال به خداوند به سلسله علت و معلول، بدون امکان تخلف حتی افعال بشریه بالتبع و استناد ضرور به خداوند یا انکار ضرور در عالم؛

۵. اثبات لذاذید و آلام روحی که سبب آنها اخلاق حسنه و رذیله است و سبب آنها امور تکوینی و اسبابی که منجر شوند به اسباب غیر اختیاریه که منتهی است به علم خداوند به ذات و نظام عالم؛

۶. اثبات قدم اصول عالم حتی عناصر؛

۷. انحصار حوادث به حوادث یومیه ازلا و ابداً که مستند می‌باشند به اسباب تکوینی؛

۸. اثبات عدم امکان تغییر و تغیر در عالم و انکار بداء؛

۹. انکار نسبت حسن و قبح در عالم به اراده و اختیار بشر؛

۱۰. انکار معاد جسمانی؛

۱۱. انکار نبوت به معنایی که در ادیان وارد شده است و انکار ملائکه و جبرئیل به معنایی که از مجاری وحی رسیده است؛

۱۲. محدود شمردن علم و قدرت خداوند به امور و موجودات کائنه؛

۱۳. اثبات سنخیت بین واجب و ممکن؛

۱۴. انکار خلود در عذاب.

دوره‌های تعیین خلیفه، اجماع، شورا، بیعت، استخلاف، قهر و غلبه، و خاتمه‌ای در نقد روش عرفا و فلاسفه.

جلد پنجم، درباره رجعت و غیبت است. موضوعات این جلد در سه بخش غیبت، رجعت و شفاعات سامان یافته است. بخش نخست به اثبات امامت امام عصر علیه السلام و مسائل مرتبط با غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام اختصاص دارد و بخش دوم و سوم بررسی موضوع رجعت و شفاعت را برعهده دارد.

موضوع این مجموعه پنج جلدی، بر دو محور استوار است: ۱. ارائه معارف اسلامی و اصول دین و مذهب شیعه بر مبنای قرآن، حدیث و عقل (استدلالی)؛ ۲. نقد اندیشه عرفانی و فلسفی متأثر از یونان در قلمرو فرهنگ اسلامی، به ویژه نقد و انتقاد شدید از آرای صدرالدین شیرازی. همچنین در بخش امامت، نقد آرای اهل سنت درباره امامت و به خصوص نقد آرای غزالی در این زمینه و همچنین دفاع از آرمان‌های رهبری و امامت شیعی مطرح شده است.^۱

چاپ نخست کتاب در مجموعه پنج جلدی، با این مشخصات منتشر شده است: ۱. بیان الفرقان فی توحید القرآن؛ ج ۱، مشهد: شرکت چاپخانه خراسان، ۱۳۷۰ق، وزیری، ۲۱۶ص. ۲. بیان الفرقان فی نبوت القرآن؛ ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق، رقعی، ۲۱۸ص. ۳. بیان الفرقان فی معاد القرآن؛ ج ۳، تهران: مرکز جامعه تعلیمات اسلامی، ۱۳۷۳ق، وزیری، ۱۲۲ص. ۴. بیان القرآن فی میزان القرآن؛ ج ۴، [تهران]: چاپخانه زوّار، [۱۳۷۵ق]، وزیری، ۱۶۷ص. ۵. بیان الفرقان: غیبت و رجعت؛ ج ۵، مشهد: چاپخانه طوس، ۱۳۳۹ش/۱۳۸۰ق، وزیری، ۳۲۰ص.

چاپ دیگری از این اثر پنج جلدی در یک مجلد، بدون تحقیق و حروف‌نگاری جدید دو سال قبل با این مشخصات منتشر شده است: بیان الفرقان؛ با مقدمه‌ای از استاد محمدرضا حکیمی، به اهتمام نقی افشاری؛ ج ۱، قزوین: حدیث امروز، ۳۸۷، وزیری، ۱۰۴۴ص.

چاپ جدید کتاب با تحقیق مدرسه علوم دینی حضرت ولی عصر علیه السلام در مشهد و تعلیقات آیت‌الله سید جعفر سیدان منتشر شده است. در این

۲. برخی به اشتباه این اثر را «تفسیر فارسی بیان الفرقان» معرفی کرده‌اند. برای مثال، ر.ک به: بهاء‌الدین خرمشاهی؛ قرآن شناخت: مباحثی در فرهنگ‌آفرینی قرآن؛ ج ۱، تهران: طرح نو، ۱۳۷۴، ص ۱۶۰. عبدالحسین شهید صالحي؛ بیان الفرقان، دائرة المعارف تشیع؛ زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی و حسن یوسفی اشکوری؛ ج ۴، ۳، تهران: نشر شهید محبتی، ۱۳۸۱، ص ۵۷۲. عبدالحسین شهید صالحي؛ [تفسیر] بیان القرآن، دانشنامه قرآن پژوهی؛ به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۱، ۱، تهران: دوستان، ناھید، ۱۳۷۷، ص ۶۷۰، ۶۷۸. همچنین این اثر جزو منابع معرفی شده در کتابنامه تفسیر و تفاسیر جدید در چهار جلد شناسنامه شده است. ن.ک به: بهاء‌الدین خرمشاهی؛ تفسیر و تفاسیر جدید، ج ۱، تهران: کیهان، ۱۳۶۴، ص ۲۰۵.

روشن است که این اثر تفسیر نیست، بلکه همانند کتب اعتقادی و کلام عقلی و نقلی، در ارائه عقاید، از قرآن به عنوان یکی از منابع اصلی استفاده شده است؛ همان‌گونه که در کتاب نهج‌المستزیدین علامه حسینی، در همه موارد لازم از آیات قرآن بهره می‌جوید؛ در حالی که نهج‌المستزیدین کتاب تفسیری به شمار نمی‌آید؛ بنابراین نامگذاری «بیان الفرقان فی توحید قرآن»، «نبوت القرآن»، «معاد القرآن» و «میزان القرآن»، به معنای تفسیر بودن این اثر نیست، بلکه تأکید بر اهمیت و نقش محوری قرآن در عرصه عقاید در زمینه توحید، نبوت، معاد، رجعت و غیبت از نگاه مؤلف است. حتی این مجموعه را «تفسیر موضوعی» نیز نمی‌توان نام نهاد (ر.ک به: هادی ربانی؛ «شناخت قرآن شناخت» و کاستی‌های آن»، صحیفه بین، شماره ۵، بهار ۱۳۷۵، ص ۵).

دکتر الکسیس کارل (۱۸۷۳-۱۹۴۴م) پزشک و جراح مشهور فرانسوی است. او در جنگ جهانی اول روش جدیدی برای معالجه زخم‌های عمیق ابداع کرد و به خاطر ابتکارش در پیوند اعضا در سال ۱۹۱۲م جایزه صلح نوبل را به دست آورد. از آثار تخصصی او می‌توان به درمان زخم‌های آلوده و کشت بافت‌ها اشاره کرد.

لورد، نام دهکده‌ای است در ایتالیا که بعضی از مسیحیان عقیده دارند خانه حضرت مریم علیها السلام به دست فرشته‌ها از فلسطین به آن جا انتقال داده شد. کارل به این ناحیه معتقد شد. او از شفای معجزه‌آسای یک دختر بچه در آن جا دفاع کرد و تأملاتی در پیرامون زیارت لورد را به سال ۱۹۰۲ نگاشت. اوزمانی به آغوش دین پناه برد که کوشش‌های دولت فرانسه برای دین‌زدایی به اوج رسیده بود. کارل با انتشار این رساله، به آینده شغلی خود لطمه بزرگی وارد آورد.

آثار کارل که به زبان فارسی ترجمه شده است:

مشهورترین کتاب کارل، انسان موجود ناشناخته است که به دست دکتر پرویز دبیری از پزشکان قدیمی اصفهان به فارسی ترجمه شده و تا کنون بیش از بیست چاپ از آن عرضه گشته است. این کتاب به نوزده زبان ترجمه و به کتابی پرفروش در سطح جهان تبدیل شده بود. ایرانیان نیز کارل را با این کتاب شناختند. اسماعیل سعادت در فرهنگ آثار نام آن را «انسان، این ناشناخته» ترجمه کرده است.

ترجمه دیگر این کتاب به فارسی توسط عنایت‌الله شکیباپورانجام پذیرفت که نام مؤلف بر روی جلد به صورت آلکسی کارل دیده می‌شود.

دکتر دبیری بعدها مجموعه آثار و افکار کارل را به چاپ رساند که شامل انسان موجود ناشناخته، راه و رسم زندگی، نیایش و گلچینی از یادداشت‌های روزانه است.

بررسی اقسام ازدواج در شرق و غرب که به دست ناشناسی به زبان فارسی ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

راه و رسم زندگی یا تفکراتی درباره زندگی؛ ترجمه پرویز دبیری؛ اصفهان: [بی‌نا]، ۱۳۲۲. این اثر سپس با ترجمه مهرداد مهرین توسط نشر آریان در تهران در سال ۱۳۷۵ به چاپ دوم رسید.

کمک‌های اولیه؛ نوشته‌های پراکنده؛ ترجمه بهزادی؛ چاپ اول، تهران: فروغی، ۱۳۵۹.

نیایش، کتابی شگفتی‌انگیز از الکسیس کارل است. وی این کتاب را پس از هفتاد سال تجربه، در آخرین سال زندگی خود به سال ۱۹۴۴م نوشت.

از دید او نیایش تأثیری مهم در درمان بیماری‌های جسمی و روحی دارد.

نخستین بار مهندس احمدزاده به سال ۱۳۳۶ به فارسی ترجمه کرد

تازه‌های نگارش و نشر

معرفی اجمالی

دعا معجزه حیات

پژوهش پیرامون نیایش از دیدگاه دین و دانش

الکسیس کارل؛ ترجمه علی اکبر مهدی پور؛ چاپ اول،
قیم: عطر عتروت، ۱۳۸۹ش، ۱۲۸ص، رقعی، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰ تومان.

محمد رضا زادهوش

دُعَا مُعْجِزَةُ حَيَاتٍ

پژوهش پیرامون نیایش از دیدگاه دین و دانش

الکسیس کارل

ترجمه
علی اکبر مهدی پور

همان کلیدهای خوشبختی است.

«آخرین سخن» دربرگیرنده مطالبی است که به پیوست چاپ اول نیایش، ترجمه دکتر علی شریعتی به چاپ رسیده بود؛ البته امضای نویسنده این مطالب، یعنی استاد محمدتقی شریعتی، پدر دکتر شریعتی را برداشته‌اند و به جای آن نوشته‌اند: «گفتاری پربار از بنیانگذار کانون نشر حقایق اسلامی» (ص ۹۴). پس قصد مترجم حاضر، نه حق‌کشی و استفاده بی‌مورد از مطالب دیگران و نه نادیده‌گرفتن فضل تقدّم، که حذف کلی نسبت کتاب به شریعتی بوده است؛ چنان‌که از علی شریعتی نیز به عنوان «یک دانشجوی ایرانی در پاریس» (ص ۳۱) نام می‌برد.

گفتنی است مطالب استاد محمدتقی شریعتی در چاپ‌های مجموعه آثار علی شریعتی به کلی حذف شده است. در میان جوانان و در پایگاه‌های اینترنتی نیز هرگاه از نیایش شریعتی سخن به میان می‌آید، مقصود نه ترجمه او از کتاب کارل که منظور، جملات کوتاه و نیایش گونه خود دکتر شریعتی است.

که بر اثر هجوم عوامل ساواک به منزل مترجم، از میان رفت. سپس دکتر علی شریعتی به سال ۱۳۳۸ در روزگار تحصیل در پاریس، آن را به زبان فارسی ترجمه کرد. ترجمه او یک سال بعد، توسط انجمن اسلامی دانشجویان مشهد در ۴۶ صفحه رقی در تهران به چاپ رسید. ترجمه شریعتی بعدها به همراه سه سخنرانی او به نام‌های مکتب سجاد علیه السلام، نیایش و زیباترین روح پرستنده، بارها به چاپ رسید. این اثر با استقبال بسیاری روبرو شد، ولی به هر حال در حوزه‌ها کمتر از آن بهره گرفتند؛ چراکه سایه مترجمی همچون شریعتی بر آن سنگینی می‌کرد. اکنون پس از سال‌ها، ترجمه دیگری از کتاب نیایش را پیش رو داریم که به مناسبت صدمین سال نگارش مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، اثر آیت‌الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی (۱۳۰۱. ۱۳۴۸ق) به چاپ رسیده است. ترجمه جدید، از روی متن انگلیسی صورت پذیرفته و با ترجمه ترکی کریم‌گونی، ترجمه عربی دکتر محمدکامل سلیمان و ترجمه فارسی دکتر شریعتی نیز تطبیق داده شده است.

ضرورت توازن دین و دانش، چگونه باید نیایش کرد؟ کی و کجا باید نیایش کرد؟ راز محرومیت از آثار نیایش، تجلی نیایش در چهره نیایشگر، آثار سریع نیایش، فقدان نیایش در میان یک ملت برابر است با سقوط قطعی آن، آثار نیایش در ابعاد مختلف و نیایش، قلّه پرش، از عنوان‌های این کتاب است.

آنچه این کتاب را خواندنی می‌کند، سادگی آن و دوری نویسنده از درشت‌نمایی است. خود در این باره می‌نویسد: نگارنده عارف یا فیلسوف و یا ادیب نیست، بلکه کوشیده است تا این نوشتار را به زبانی ساده و قابل فهم همگان بنویسد، و آنچه را در دل دل دارد، در قالب کلمات بریزد «و از هرگونه اغراق‌گویی پرهیزد، و به بیان واقعیت‌ها بدون کوچک‌ترین تحریف و تغییر بپردازد» (ص ۳۶).

متن کتاب، کوتاه است (ص ۳۴ - ۶۵). در پیوست، چهار مطلب دیگر نیز به چشم می‌خورد:

- «دعا نیرو است». این مقاله نخستین نوشته‌های کارل درباره نیایش است که به سال ۱۹۴۰م در مجله ریترز دایجست به چاپ رسید؛ سپس به همراه ۸۶ مقاله دیگر به صورت کتابی مستقل چاپ شد. این اثر را شادروان استاد احمد آرام به فارسی ترجمه کرد و در روزنامه پارس شیراز انتشار داد؛ سپس به صورت کتابی به نام کلیدهای خوشبختی: مجموعه مقالاتی از نویسندگان مختلف جهان، توسط شرکت سهامی انتشار، در تهران به چاپ رسید.

- «تأثیر متقابل جسم و روح»، بخش‌هایی درباره نیایش از کتاب دیگر الکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته است.

- «سهم دعا و نماز در زندگی» اثر نورمن وینسنت گریسی که برگرفته از

مؤلف شهاب الأخبار

ابو عبد الله، محمد بن سلامة بن جعفر، معروف به «قاضی قضاعی»، از دانشوران نیمه نخست سده پنجم است. از تاریخ زندگی او اطلاعات چندانی در دست نیست. همین اندازه می دانیم که در دوران فاطمیان در مصر می زیست و در علوم چند، از جمله: ادبیات، فقه، حدیث، تفسیر و تاریخ، دست داشته و در سه علم اخیر، آثاری از او به یادگار مانده است. وی در مسند قضاوت بود و در دوران وزارت علی بن احمد جرجرایبی - وزیر دربار فاطمیان - منشی او بود و روزگاری چند به عنوان سفیر فاطمیان در حکومت روم شرقی، در قسطنطنیه اقامت داشت. او در شب پنجشنبه، شانزدهم ذی القعدة سال ۴۵۴ ق، چشم از جهان فرو بست.

«تاج سبکی» در الطبقات الكبرى او را چنین معرفی کرده است:

محمد بن سلامة بن جعفر بن علي القاضي، أبو عبد الله القضاعي الفقيه، قاضي مصر، مصنف كتاب الشهاب، سمع أبا مسلم محمد بن أحمد الكاتب، وأحمد بن بربال، وأبا الحسن بن جهضم، وأبا محمد بن النخاس، وآخرين.

روی عنه الحميدي، وأبو سعد عبد الجليل الساوي، ومحمد بن محمد بن بركات السعدي، وسهل بن بشر الأسفرائيني، وأبو عبد الله الرازي في مشيخته، والخطيب، وابن ماكولا، وآخرون.^۲

ابن ماكولا نیز نوشته است: «كان متفنا في علوم، ولم أرفي مصر من يجرى مجراه».^۳

قاضی قضاعی از جمله عالمانی است که در رشته های گوناگون کسب دانش کرده، در برخی از رشته ها تألیفاتی نیز از خود به یادگار گذاشته است. فهرستی از آثار او به این شرح است:

۱. الإنباء عن الأنبياء؛^۲ ۲. الإنباء في الحديث؛^۳ ۳. المختار في ذكر الخطط والآثار في مصر؛^۴ ۴. أمالي في الحديث؛^۵ ۵. تفسير القرآن؛^۶ ۶. درة الواعظين وذخرا العابدین؛^۷ ۷. دستور معالم الحكم من كلام الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام؛^۸ ۸. دقائق الأخبار وحوادث اعتبار في الحكم؛^۹ ۹. شهاب الأخبار الكتاب؛^{۱۰} ۱۰. عيون المعارف وفتون

۱. القضاعي - بضم القاف وفتح الضاد المعجمة - نسبة إلى قضاة: قبيلة معروفة، ويقال: هو من حمير، وهو الأكثر والأصح (ركب به: الأنساب للسمعاني، ج ۴، ص ۵۱۶).
۲. الطبقات الكبرى؛ ج ۴، ص ۱۵۰-۱۵۱.
۳. إكمال الكمال، ج ۷، ص ۱۴۷.
۴. هدية العارفين؛ ج ۲، ص ۷۱.
۵. كشف الظنون؛ ج ۱، ص ۱۷۲ وهدية العارفين؛ ج ۲، ص ۷۱.
۶. كشف الظنون؛ ج ۲، ص ۱۶۲۲ وهدية العارفين؛ همان.
۷. المستخرج على المستدرک؛ ص ۳۸. كشف الظنون؛ ج ۱، ص ۱۶۵ وهدية العارفين؛ ج ۲، ص ۷۱.
۸. مسند الشهاب؛ ج ۱، ص ۹ والأعلام للزركلي؛ ج ۶، ص ۱۴۶.
۹. كشف الظنون؛ ج ۱، ص ۷۴۵. هدية العارفين؛ ج ۲، ص ۷۱ وذيل كشف الظنون؛ ج ۱، ص ۴۶۲.
۱۰. كنعني؛ المصباح؛ ص ۳۰۷؛ زركلي؛ الأعلام؛ ج ۶، ص ۱۴۶ وأعيان الشيعة؛ ج ۱، ص ۲۱۲.
۱۱. هدية العارفين؛ ج ۲، ص ۷۱.

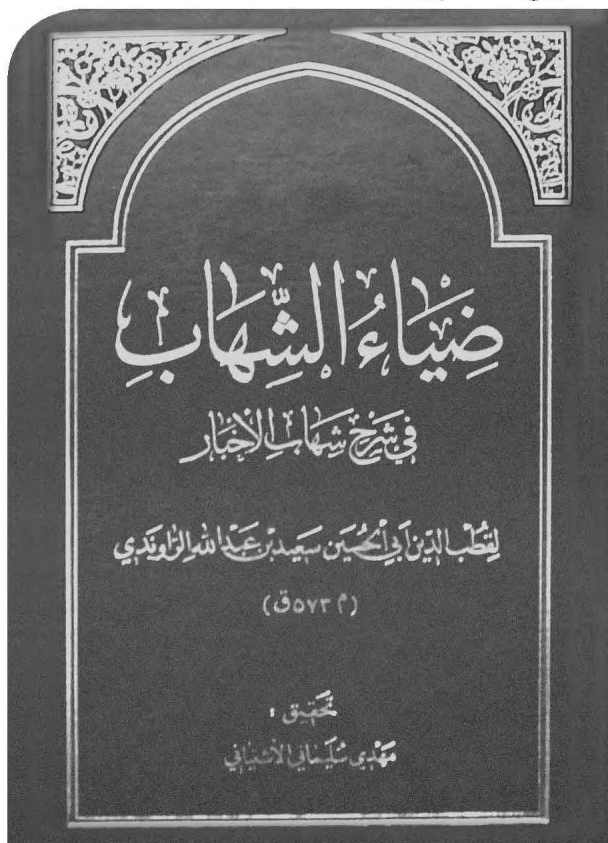
تازه های نگارش و نشر

معرفی اجمالی

ضیاء الشهاب فی شرح شهاب الأخبار

قطب الدین ابی الحسن سعید بن هبة الله راوندی؛ تحقیق: مهدی سلیمانی
آشتیانی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، ۶۶۴ صفحه.

حسین شانظری



ومجامیعهم، كما أشار إليه المجلسي أيضا، وليس في باقيه ما ينكر ويستغرب، وما وجدنا في كتب العامة له نظيراً ومشاهباً.

وبالجملة، فهذا الكتاب في نظري القاصر في غاية الاعتبار، وإن كان مؤلفه في الظاهر - أو واقعاً - غير معدود من الأخيار^{۱۸}

علامه مجلسی درباره این کتاب می‌گوید: «اگرچه کتاب شهاب از تألیفات عالمان اهل سنت است، اما بیشتر فقرات آن در كتب و اخبار محدثان شیعه آمده است»^{۱۹}.

برخی از بزرگان امامیه بر این کتاب شرح نوشته‌اند که از میان آنها، سه شرح از اهمیت بیشتری برخوردار است:

۱. روح الأخباب وروح الألباب فی شرح الشهاب الأخبار، ابوالفتوح الرازی (ق ۶ ق)، نویسنده تفسیر معروف روض الجنان وروح الجنان؛
۲. ضیاء الشهاب قطب الدین سعید الراوندی (م ۵۷۳ ق)؛
۳. ضوء الشهاب؛ سید فضل الله بن علی الراوندی (م ح ۵۷۲ ق).

از شرح «ابوالفتوح» تاکنون نسخه‌ای پیدا نشده است و نسخه‌های موجود، ظاهراً با شرح دیگری اشتباه شده است. از ضوء الشهاب نسخه‌های مختلفی در دست است که یکی از مؤسسات پژوهشی در حال تحقیق و آماده‌سازی آن است. ضیاء الشهاب نیز که ارائه شده است.

مؤلف شرح

شارح شهاب الاخبار، سعید بن هبة الله، مشهور به قطب راوندی (م ۵۷۳ ق)، از برجسته‌ترین دانشمندان قرن ششم هجری است. منتجب‌الدین او را با عبارات «فقیه، عین، صالح، ثقه» معرفی کرده است و ابن قُوطی، از مشاهیر عامه، قطب راوندی را با تعبیر «فقیه الشیعة» می‌ستاید.^{۲۰}

قطب در اصفهان، همدان و خراسان از بزرگان روزگار خود بهره برده است و از آن کسانی مثل ابوجعفر حلبی، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی - صاحب مجمع البیان - عمادالدین طبری، ابوالسعادات شجری و دیگران روایت می‌کند.

کسانی هم مانند ابن شهر آشوب صاحب معالم العلماء - منتجب‌الدین ورازی - صاحب الفهرست - شاگرد او بوده‌اند.

ایشان در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در صحن بزرگ یا همان صحن اتابکی، مدفون است.

برخی از مهم‌ترین آثار او چنین است:

۱. إحکام الأحکام؛ ۲. الإغراب فی الإغراب؛ ۳. بیان الانفرادات؛ ۴. تحفة العلیل؛ ۵. تهافت الفلاسفة؛ ۶. جواهر الکلام فی شرح مقدمة الکلام؛ ۷. الخرائج والجرائح؛ ۸. خلاصة التفسیر؛ ۹. رسالة فی أحوال أحداث أصحابنا؛ ۱۰. سلوة الحزین؛ ۱۱. فقه القرآن المنتزع من کلام الملک

۱۸. خاتمة المسند؛ ج ۱، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.

۱۹. بحار الأنوار؛ ج ۱، ص ۴۲.

۲۰. تلخیص مجمع الأدب؛ ج ۴، ص ۴، ش ۲۷۹۹.

الخلائی فی التاریخ؛ ۱۱: ۱۱۲. مُسند الشَّهاب؛ ۱۲: ۱۲۳. مناقب الشافعی؛^{۱۴}
۱۳. زهرة الألباب فی التاریخ؛^{۱۵}

جایگاه شهاب الاخبار نزد امامیه

شهاب الأخبار، کتابی است فراهم آمده از حدود ۱۲۰۰ سخن حکمت‌آمیز و حکمت‌آموز از رسول خدا صلی الله علیه و آله در نصاب و سفارش‌های اخلاقی، و خاتمه‌ای مشتمل بر دعاهایی از آن حضرت.

مؤلف، در گزینش و گردآوری سخنان رسول خدا، اسناد احادیث را حذف کرده، در صحت آنها به بلاغت کلام، اکتفا نموده است؛ سپس بر اساس تقارب الفاظ و تناسب معانی، به تبویب احادیث پرداخته است.

این کتاب، فارغ از شیعه یا سنی بودن گردآورنده آن، از همان آغاز، مورد توجه عالمان بوده است و حدیث پژوهان و حدیث شناسان شیعه و اهل سنت، با دیده‌ی عنایت به آن نگریسته‌اند.

علامه حلی در اجازه معروف خود به بنی زهرة فرموده است:

ومن ذلك جميع كتاب الشهاب للقاضي أبي عبد الله محمد بن سلامة القضاعي المغربي، وباقي مصنفاته ورواياته عني، عن والدي رحمه الله عن السيد فخار بن معد الموسوي، عن القاضي ابن الميداني، عن القاسم بن الحسين، عن القاضي أبي عبد الله المصنف.^{۱۶}

همچنین شیخ منتجب‌الدین می‌نویسد:

السيد فخر الدين شملة بن محمد بن هاشم الحسيني، عالم صالح، روى لنا كتاب الشهاب للقاضي أبي عبد الله محمد بن سلامة بن جعفر القضاعي عنه.^{۱۷}

محدث نوری در بیان کوتاهی، علت اعتبار و اهمیت شهاب الاخبار را مطرح می‌کند و حتی احساس قلبی مؤلف شیعه آن را پیش می‌کشد و می‌گوید:

وربما يستأنس لتشيعة بأمر:

منها: توغل الأصحاب على كتابه، والاعتناء به، والاعتماد عليه، وهذا غير معهود منهم بالنسبة إلى كتبهم الدينية، كما لا يخفى على المطلع بسيرتهم.

ومنها: أنه قال في خطبة الكتاب بعد ذكر النبي صلی الله علیه و آله: أذهب الله عنهم الرجس، وطهرهم تطهيراً، ولم يعطف عليهم الأزواج والصحابة، وهذا بعيد عن طريقة مؤلفي العامة غايته.

ومنها: أنه ليس في تمام هذا الكتاب من الأخبار الموضوعة في مدح الخلفاء - سيما الشيخين، والصحابة - خبر واحد مع كثرتها، وحرصهم في نشرها ودرجها في كتبهم بأدنى مناسبة، مع أنه روى فيه قوله صلی الله علیه و آله: «مثل أهل بيتي كمثل سفينة نوح، من ركب فيها نجا، ومن تخلف عنها غرق».

ومنها: إن جل ما فيه من الأخبار موجود في أصول الأصحاب

۱۲. كشف الظنون؛ ج ۲، ص ۱۱۸۸. هذبة العارفين؛ ج ۲، ص ۷۱ و زرکلی؛ الأعلام؛ ج ۶، ص ۱۴۶.

۱۳. كشف الظنون؛ ج ۲، ص ۱۶۸۳.

۱۴. همان، ص ۱۸۳۹. هذبة العارفين؛ ج ۲، ص ۷۱ و زرکلی؛ الأعلام؛ همان.

۱۵. مسند الشهاب؛ ج ۱، ص ۱۰ و زرکلی؛ همان.

۱۶. بحار الأنوار؛ ج ۱، ص ۷۸.

۱۷. فهرست منتجب‌الدین؛ ص ۷۱، ش ۱۹۲.

داریم. اینکه شهاب‌الآخبار مورد توجه واقع شده و حتی علمای شیعه به آن اقبال نشان داده‌اند، نشان می‌دهد انتخاب و چینش قاضی قضاعی، مورد پسند و عنایت دانشمندان بعد از او واقع شده است.

چند نکته درباره تحقیق ضیاء الشهاب

- درباره تحقیق و تصحیح این کتاب، اشاره به چند نکته مناسب است:
- کتاب دارای مقدمه تحقیق مفصل و طولانی است.
 - همه روایات متن شهاب‌الآخبار دو گونه آدرس دهی شده است: اول: منابع مهم عامه که از مسند الشهاب - تألیف مؤلف متن، یعنی قاضی قضاعی - شروع می‌شود و برخی دیگر از مصادر اولیه - در صورت وجود - ذکر شده است.
 - دوم: اگر مصدر روایی شیعی وجود داشته، ذکر شده است.
 - روایات موجود در شرح، از منابع امامیه آدرس دهی شده است و اگر مصدر امامی نداشته، به منابع اهل سنت ارجاع داده شده است.
 - در بیان قطب راوندی از کتاب النبوة صدوق ذکر شده که جزء آثار مفقود است.
 - قطب راوندی از برخی مشایخ و استادان خود در متن کتاب نام برده است.
 - چون ضیاء الشهاب رویکرد ادبی نیز دارد، در پاورقی‌های کتاب ارجاعات مفصلی به کتب لغت و ادبیات دارد.
 - برخی روایات موجود در ضیاء الشهاب در مآخذ مشهور وجود ندارد و معمولاً این روایات از ضوء الشهاب فضل الله راوندی (مخطوط) آدرس دهی شده است.
 - با آنکه دستنوشته مورد استفاده به خط علم الهدی - فرزند فیض کاشانی - است، اما چون منحصر به فرد و تکنسخه بوده، ظاهراً برخی مشکلات قابل حل و رفع نبوده است.
 - در مقدمه مفصل کتاب، تصویری از دستنوشته ضیاء الشهاب چاپ نشده است.
 - در کل، به نظر می‌رسد مؤلف ضیاء الشهاب از ضوء الشهاب فضل الله راوندی استفاده فراوانی کرده است که در روایات نقل شده آن منعکس شده است و ممکن است با توجه به مقام ادبی فضل الله راوندی، بسیاری از مباحث و نکات ادبی ضیاء الشهاب برگرفته از ضوء الشهاب بوده باشد.
 - در پایان کتاب، نمایه و فهرست‌های آن تحت عنوان «الفهارس العامة» به صورت مفصل درج شده است. در این فهرست همه روایات متن و روایات شرح، جداگانه در دو فهرست ارائه شده است.
 - در فهرستی که از کتب نام برده در شرح ارائه شده است، غیر از قرآن کریم، از انجیل، تحفة باب الابواب و شرح شرح الشهاب، حلیة الاولیاء، صحاح اللغة جوهری و کتاب النبوة صدوق نام برده شده است که نشان می‌دهد این چند عنوان، همه کتاب‌هایی است که قطب راوندی به نام آنها تصریح کرده است.

الدیان؛ ۱۲. قصص الأنبياء؛ ۱۳. کتاب المزار؛ ۱۴. لباب الأخبار؛ ۱۵. المعارج في شرح نهج البلاغة؛ ۱۶. مفتاح المتعبد؛ ۱۷. منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة؛ ۱۸. نهية النهاية.^{۲۱}

اهمیت شرح قطب راوندی

به صورت مختصر، این شرح و کتاب از جهاتی حائز اهمیت و ارج است که به برخی موارد اشاره می‌کنیم:

- به قلم یکی از برجسته‌ترین دانشمندان و فقهای امامیه نوشته شده است.
- از میراث کهن به شمار می‌رود؛ یعنی مشخصاً از قرن ششم هجری برجای مانده است.
- از جهت مباحث تقریبی، دارای اهمیت است. می‌دانیم در میان تألیفات شیعی، آثار محدود و معدودی داریم که اصل کتاب از عامه باشد و یکی از بزرگان امامیه آن را شرح کرده باشد، و این کتاب چنین است.
- از حیث فقه الحدیثی و فهم کلام معصوم، این کتاب بسیار غنی است و نکات و دقایق زیادی را کاویده و مشخص کرده است.

در شرح و بسط احادیث فقهی، آثار زیادی سراغ داریم که معمولاً دقایق و ظرایف احادیث مورد توجه قرار گرفته است؛ اما از حوزه فقه که خارج می‌شویم، با انبوهی از روایات مواجهیم که دارای پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی هستند که کمتر به آن پرداخته شده است. این معنا در ضیاء الشهاب مورد توجه است؛ ضمن آنکه صدها روایت شرح شده، نکاتی از آن روشن و ارائه گشته است.

۵. مؤلف در اطراف یک روایت به طرح مباحث ادبی پرداخته است؛ یعنی قطب راوندی علاوه بر اینکه فقیه و محدثی ژرف‌نگر است، ادیب قوی و مسلطی هم هست و در ابتدای شرح هر حدیث، مباحث دقیق ادبی آن را نیز بیان می‌کند.

۶. از جهت مصادر روایی نیز احادیث بسیاری در این کتاب آمده که در مصادر و منابعی که امروز در دست ماست، وجود ندارد. این واقعیت، نشان می‌دهد آثاری در دسترس و اختیار مؤلف بوده که اکنون به دست ما نرسیده است و در طول سال‌ها و قرون از بین رفته است.

۷. نکته دیگری که هم در متن شهاب‌الآخبار وجود دارد و به تبع در شرح هم خود را به خوبی نشان می‌دهد، اهمیت این کتاب یا این دو کتاب به منزله آثار اخلاقی و تربیتی است. حدود هزار روایت از پیامبر اکرم (ص) که همه آنها جنبه اخلاقی دارد و از دروغ‌رکلمات نبی اکرم است، انتخاب شده است؛ یعنی کسی که شهاب و یا شرح آن را مطالعه می‌کند، کاملاً متوجه می‌شود که قصد مؤلف، فقط جمع روایات نبوده است؛ چرا که از این مجموعه‌های روایی، چه در میان عامه و چه در میان خاصه زیاد

۲۱. ر.ک به: فهرست منتخب‌الدین؛ ص ۶۸، ش ۱۸۶. أمل الأمل؛ ج ۲، ص ۱۲۶، ش ۳۵۶. بحار الأنوار؛ ج ۱۰۲، ص ۲۳۶. جامع الرواة؛ ج ۱، ص ۳۶۴. ریاض العلسا؛ ج ۲، ص ۴۲۴ و اعیان‌الشیعة؛ ج ۷، ص ۲۴۰.